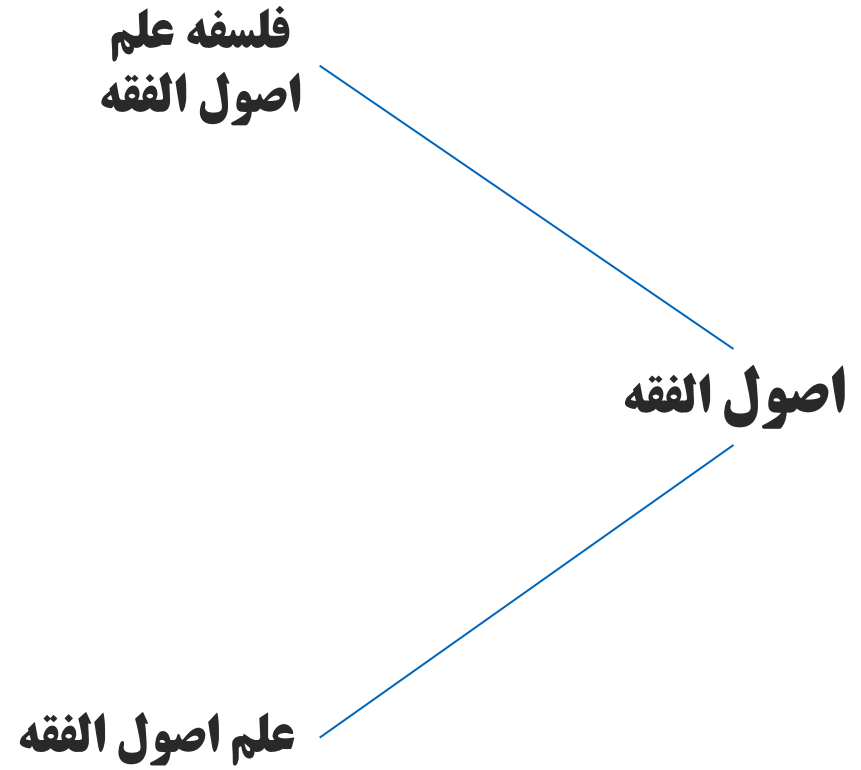


علم أصول الفقه

۲۳

۹۳-۳-۷ روش شناسی

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني



روش شناسی
بخشی از
فلسفه‌ی یک
علم

روش
چیست؟

تعریف دوری

روش، مسیر
حرکت است.

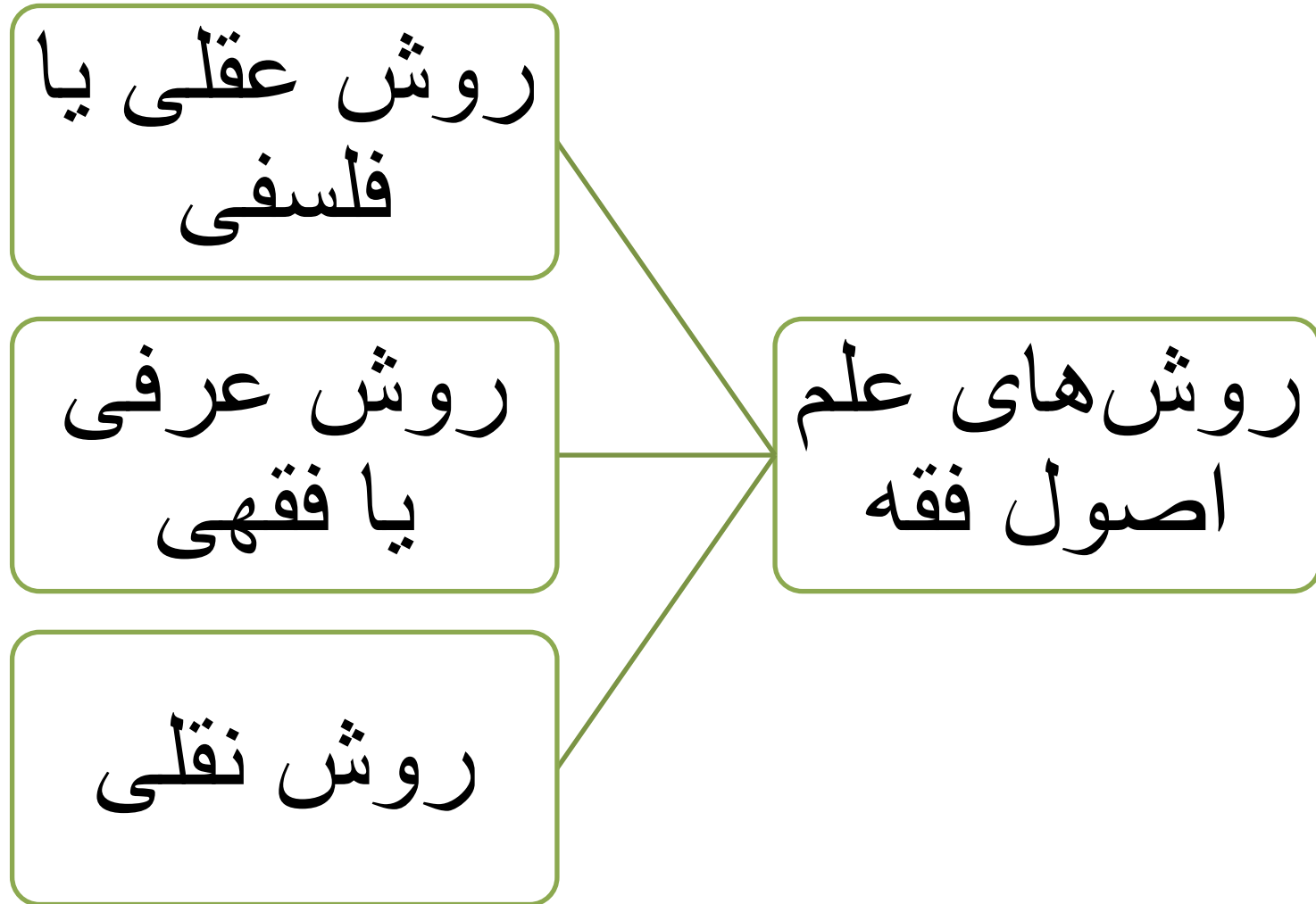
مسیرهای
همگون را
یک روش
تلقی می‌کنیم.

بین منطق و
متدلوژی چه نسبتی
برقرار است؟

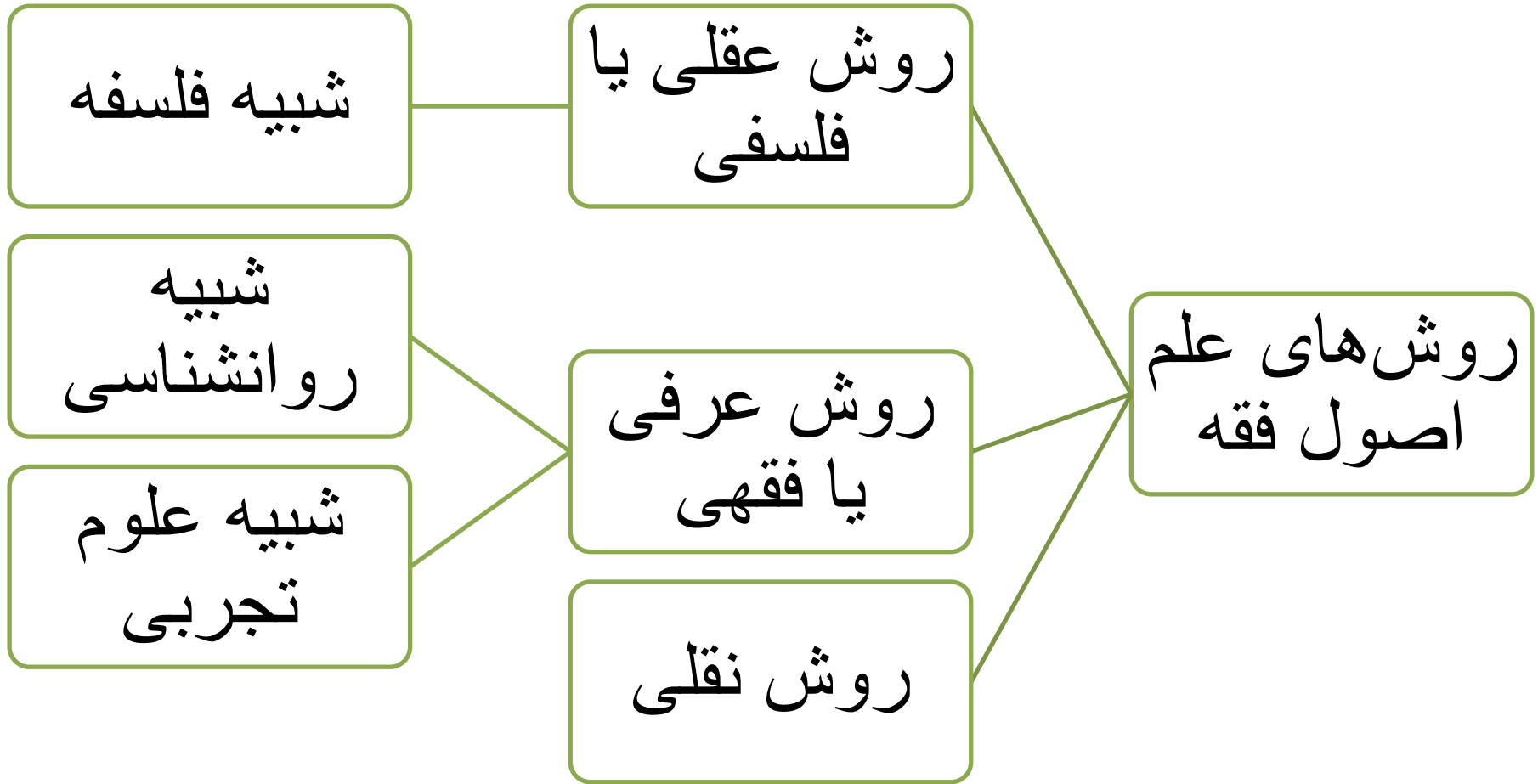
منطق از فکر بحث
می‌کند و متدلوژی از
متد و روش که همان
مسیر فکر است.

منطق و متدلوژی،
دو نگاه هستند به
یک چیز.

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



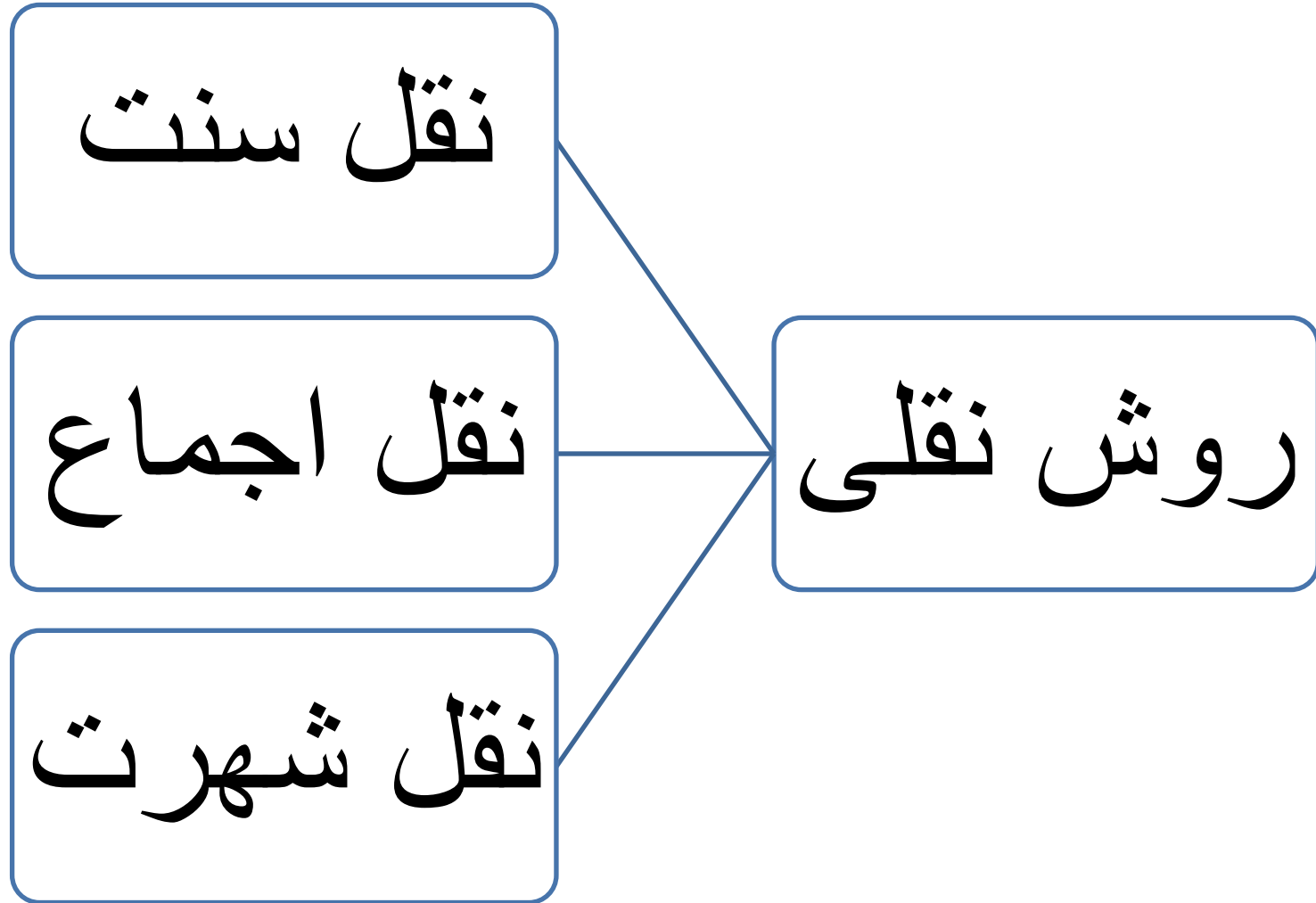
بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



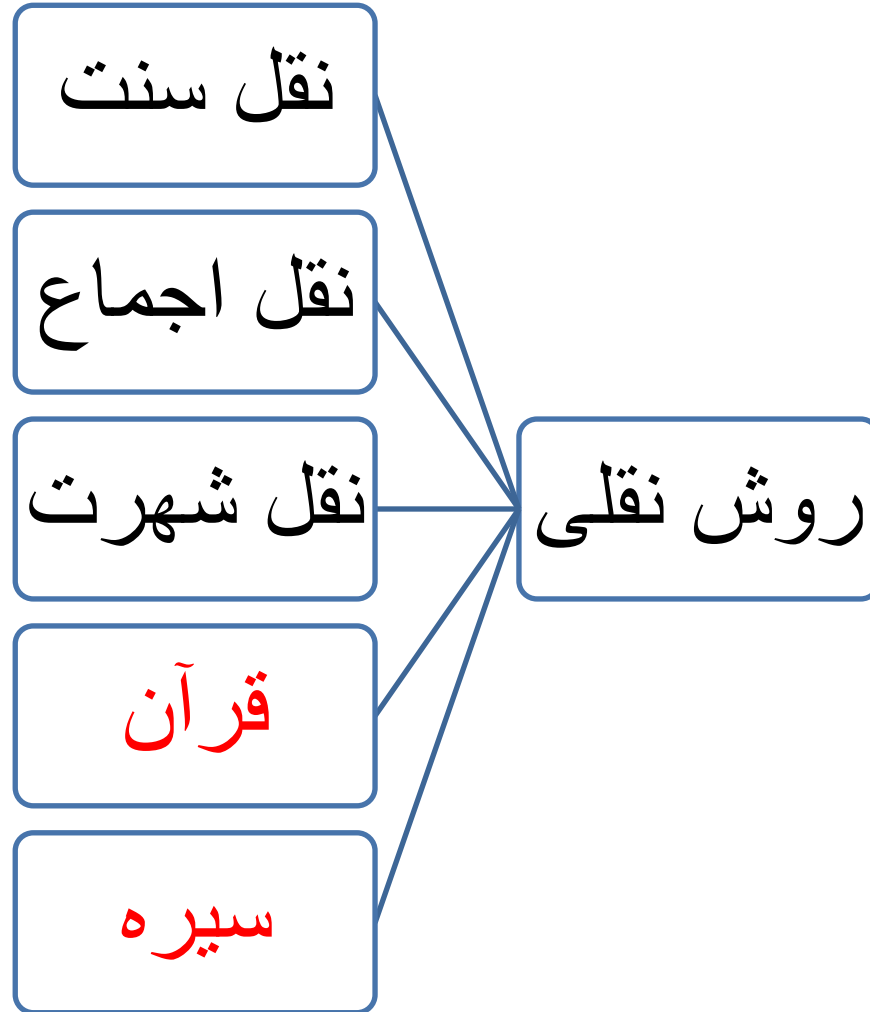
انتقاد تاریخی

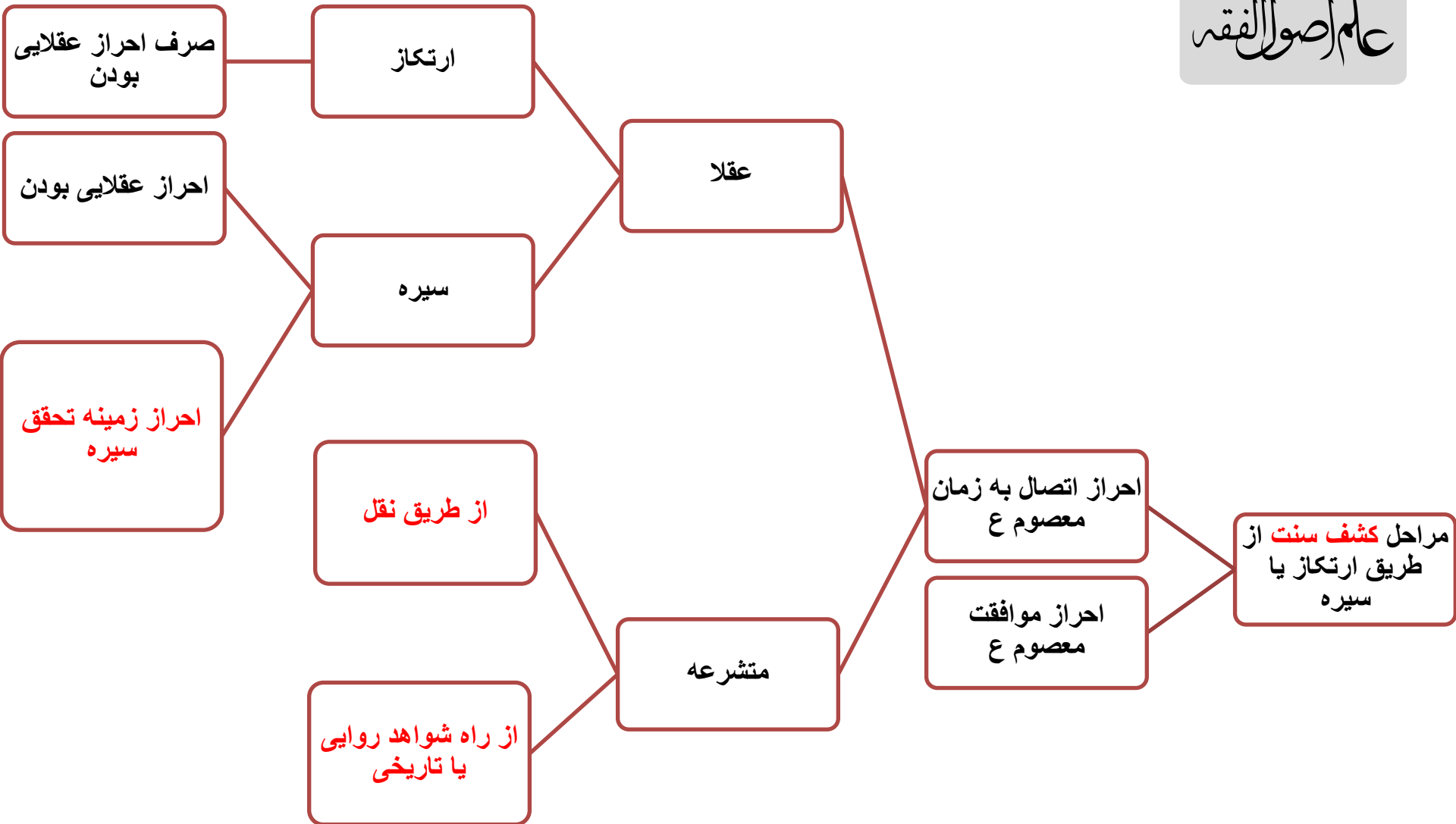
روش در علم
تاریخ

فصل سوم: روش نقلی



فصل سوم: روش نقلی





شبهات علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- روشی که در علم تاریخ برای بررسی اسناد به کار می‌رود و به آن روش نقلی یا تاریخی می‌گوییم، از قرن‌ها پیش در علم اصول با دقت فراوان مورد استفاده قرار گرفته است.
- اما برای این که بفهمیم علم اصول در کجا به علم تاریخ شبیه است، باید به عنوان مقدمه به مطلب زیر توجه کنیم:

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- مورخان اسنادی را که برای بازسازی تاریخ به کار می‌روند، به دو دسته تقسیم می‌کنند:

مادى

نفسانى

اسناد

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- ۱. اسناد مادی: منطقه‌ای که یک حادثه‌ی تاریخی در آن اتفاق افتاده، ساختمان‌ها و ابزارهای که از گذشتگان باقی مانده، همگی جزو اسناد مادی هستند.

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- مثلاً محل اُحُد و کوهی که به همین نام در آنجا وجود دارد، یکی از مدارک مادی برای یک مورخ است که با آن می‌تواند به صحت و سقم اطلاعات داده شده از جنگ اُحُد که خارج از مدینه رخ داد، پردازد.
- مورخ با بررسی جغرافیای محل اُحُد می‌تواند دریابد که آیا آن جنگ می‌تواند به آن گونه که نقل شده در آن محل اتفاق افتاده باشد یا خیر؟ همچنین ابزارهای باقی مانده از گذشته مثل شمشیر، زره، کوزه و... از جمله وسایلی است که برای بازسازی حوادث گذشته، مورخ را یاری می‌کند.

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- این دسته از اسناد مورد استفاده‌ی اصولی و فقیه قرار نمی‌گیرد و آنها اصلاً به این نوع اسناد کاری ندارند.

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- ۲. اسناد نفسانی: اسناد نفسانی اسنادی هستند که به نحوی اندیشه‌ی بشر، فکر و خلاقیت او در آنها وجود دارد و در واقع بیان مطالبی از سوی بشر هستند.

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- واضح ترین مصداق اسناد نفسانی، اسناد مکتوب است. کلمات و مطالبی که در مورد یک حادثه‌ی تاریخی نوشته شده و یا بیانگر عباراتی از گفته‌های یک شخص است و یا...، اسناد مکتوب به حساب می‌آیند.
- و البته در کنار آنها هر نوع سندی که به نوعی تفکر و اندیشه را انتقال می‌دهند مثل یک تابلوی نقاشی، معماری یک ساختمان، هنری که در ساخت اشیاء مثل کوزه به کار رفته و... در زمره‌ی اسناد نفسانی قرار می‌گیرند.

شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

- در بحث اسناد نفسانی که مهم-ترین آنها همین الفاظ و کلمات هستند، علم اصول با تاریخ بسیار به هم نزدیک می‌شوند. ما در علم اصول روش نقلی یا تاریخی را در همین اسناد مکتوب یا منقول (شفاهی) به کار می‌بریم که از قبیل اسناد نفسانی در علم تاریخ است.
- به دلیل این که در این روش، اسناد مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند، به این روش، انتقاد یا روش نقادی نیز می‌گویند.

بررسی اسناد نفسانی

- بررسی اسناد نفسانی
- در بررسی اسناد نفسانی چند بحث مطرح است.
- ا. بررسی صدور اسناد
- ب. بررسی محتوایی (دلالی) اسناد
- ج. بررسی اسناد در کنار اسناد دیگر

أ. بررسی صدور اسناد

- أ. بررسی صدور اسناد

أ. بررسی صدور اسناد

- یکی از بحث‌هایی که در استفاده از اسناد مطرح است، سندیت داشتن آنها است. در این بررسی یک مورخ یا یک اصولی می‌خواهد بداند آیا مطلبی را که به یک شخص نسبت می‌دهند، واقعاً گفته است یا خیر؟

أ. بررسی صدور اسناد

- آنچه ما در علم اصول و در علم فقہ راجع به اسناد روایات و منقولات و حتی خود قرآن انجام می‌دهیم، همین ارزیابی سندی آنها است.
- البته قرآن به دلیل این که نقلش متواتر است، چندان مورد بحث قرار نمی‌گیرد؛ اما در واقع در رتبه‌ی سابق به نحوی از انحا یک ارزیابی سندی در آن هم صورت می‌پذیرد.
- ولی به صورت خاص در بحث روایت که به ویژه مورد توجه اصولی‌ها و فقها است، ارزیابی یک سند به تأمین سندیت آن برمی‌گردد.

أ. بررسی صدور اسناد

- در تأمین سندیت یک سند در تاریخ، مورخ باید آن سند را به گونه‌ای ارزیابی کند که نهایتاً اطمینان به سندیت آن پیدا کند. در حالی که در علم اصول در بحث حجیت خبر واحد، لااقل در حوزه‌ی نقل سنت، معیاری برای سندیت مطرح می‌شود که با آن معیار، اصولی و فقیه از ضرورت دستیابی به اطمینان فارغ می‌شوند.

أ. بررسی صدور اسناد

- در آنجا گفته می‌شود که وقتی خبری توسط یک شخص مورد اعتمادی نقل شود، از لحاظ معیارهای شرعی برای اثبات حکم مورد نظر کافی است.
- به همین دلیل در علم فقه یا اصول ضرورت دستیابی به اطمینان را در مورد سنت معمولاً نفی می‌کنیم و می‌گوییم برای استناد به سخن معصوم علیه السلام لازم نیست اطمینان به صدور چنین سخنی از معصوم علیه السلام پیدا کنیم، بلکه کافی است شخص یا اشخاصی که این سخن را نقل کرده و به ما رسانده‌اند، مورد اعتماد و اطمینان باشند.

أ. بررسی صدور اسناد

- البته در بین فقها و اصولی‌ها هستند کسانی که در بحث خبر واحد، معیار را وثاقت راوی نمی‌دانند، بلکه موثوقیت صدور را معیار قرار می‌دهند. آنها می‌گویند فقیه باید اطمینان پیدا کند که چنین روایتی صادر شده است؛ یعنی فقیه باید وثوق به صدور داشته باشد.
- اگر کسی چنین مبنایی را بپذیرد، از این جهت فقه و اصول و تاریخ کاملاً به یکدیگر شبیه خواهند شد. زیرا همان طور که گفتیم در علم تاریخ، معیار سندیت یک سند، وثوق مورخ به صدور چنین سندی است.

أ. بررسی صدور اسناد

- به این نکته هم باید توجه داشته باشیم که فقها و اصولی‌هایی که موثوقیت صدور را مطرح می‌کنند، معمولاً وثاقت راوی را یکی از عوامل موثوقیت صدور معرفی می‌نمایند. در نظر آنان یکی از عواملی که به واسطه‌ی آن به صدور یک روایت اطمینان پیدا می‌کنیم، این است که راوی شخص مورد اعتمادی باشد.

أ. بررسی صدور اسناد

- اما موثوقیت صدور فقط منحصر در این نیست که راوی ثقه باشد. ممکن است راوی یک روایت ثقه نباشد یا وثاقتش احراز نشده باشد، اما ما به دلیل عمل اصحاب یا کثرت نقل روایت در کتب مختلف و یا... به صدور روایت وثوق پیدا کنیم.

أ. بررسی صدور اسناد

- از آن سو، آنها که قایل به معیار وثاقت راوی هستند و می‌گویند باید راوی ثقة باشد تا بتوانیم به خبر عمل کنیم، وثوق به صدور یک روایت را برای حجت آن روایت انکار نمی‌کنند. یعنی می‌پذیرند که اگر شخصی به صدور یک روایت اطمینان پیدا کند، آن روایت حجت است. زیرا در بحث اطمینان بر این نکته تأکید می‌کنیم که اطمینان مطلقاً حجت است.

أ. بررسی صدور اسناد

- بنابراین اگر فقیه اطمینان پیدا کند که روایتی از امام صادق علیه السلام صادر شده است، آن روایت برای وی حجت است؛ اگرچه ممکن است روایت از طریق راویان غیر ثقه یا راویانی که وثاقتشان محرز نیست، نقل شده باشد.
- اما در نظر اینان یعنی اینها که معیار را وثاقت راوی می‌دانند، لازم نیست وثوق به صدور پیدا کنیم. همین مقدار که راویان یک روایت ثقه هستند، آن روایت برای ما حجت است؛ اگرچه اطمینان به صدور روایت نداشته باشیم.

أ. بررسی صدور اسناد

- بدیهی است جایگاه بحث از معیار حجیت یک روایت در خود علم اصول است و ما فقط در اینجا از منظر روش شناسی به آن نگاه می‌کنیم. آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که اصولی در پاره‌ای از مباحث به خصوص آنجا که از طریق سنت به اثبات مطلبی می‌پردازد، از روش نقلی بهره می‌گیرد و در این طریق، بررسی اسناد یکی از کارهای مهم است.

أ. بررسی صدور اسناد

- به طور مثال برای اثبات حجیت استصحاب، عمده‌ی مدرک اصولی روایاتی است که در این مسأله وارد شده است. بخشی از کار اصولی، ارزیابی سند این روایات است. همین طور در بحث براءت عقلی اصولی باید به ارزیابی روایاتی پردازد که در این زمینه وارد شده است. در بحث احتیاط شرعی و احتیاط عقلی نیز که اخباری‌ها قایل به آن هستند و اصولی‌ها منکر آن می‌باشند، یکی از بحث‌های مطرح، ارزیابی سند روایات مورد تمسک است.

أ. بررسی صدور اسناد

- واضح است وقتی می‌گوییم اصولی‌ها در بحث سنت به ارزیابی اسناد می‌پردازند، مقصودمان بحث از حجیت خود سنت نیست. همان‌طور که قبلاً هم گفتیم بحث از حجیت خود سنت - یعنی حجیت قول یا فعل یا تقریر معصوم علیه السلام - یک بحث اصولی نیست، بلکه یک بحث کلامی است و اگر احیاناً در اصول مطرح شده از مباحث استطرادی بوده است. بله بحث از حجیت خبر واحد که نقل سنت است یک بحث اصولی به شمار می‌آید.

أ. بررسی صدور اسناد

- عدم ارزیابی سندی در متون یقینی
- بحث ارزیابی سندی در اصول در جایی مطرح است که سند یقینی نباشد. اگر سندی یقینی باشد، اصولی به ارزیابی آن نمی‌پردازد. از این رو، هیچ اصولی‌ای در استناد به کتب اربعه‌ی روایی - تهذیب، استبصار، من لایحضره الفقیه و کافی - که همگی متواترند، بحث سندی ندارد و اگر احیاناً اسنادی به این کتب هست، صرفاً تبرکی است. در واقع این کتب از گذشته بین فقها و اصولی‌ها شناخته شده بودند و دست به دست گشته‌اند. و همین، دلیل متواتر بودن آنها و در نتیجه یقینی بودن آنها است.

أ. بررسی صدور اسناد

- همان طور که کمی قبل اشاره کردیم، علت عدم ارزیابی سندی قرآن نیز تواتر آن است. قرآنی که امروز در اختیار ما است، همان قرآنی است که در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله بر حضرت نازل شد و توسط کتاب به رشته تحریر درآمد و با هدایت خود پیامبر صلی الله علیه وآله جمع آوری و تدوین شد و نسل به نسل منتقل گردید.

أ. بررسی صدور اسناد

- اما اگر خوب دقت کنیم درمی یابیم در این متون - متون متواتر - نیز گاهی نوعی ارزیابی سندی صورت می گیرد. علت این ارزیابی غلط-ها و خطاهایی است که در این متون مشاهده می شود.

أ. بررسی صدور اسناد

- ما در علم رجال و به ویژه در علم درایه - یا به طور کلی در علم حدیث شناسی به معنای وسیع کلمه - بحثی را تحت عنوان تصحیفات مطرح می‌کنیم که در آن به بررسی خطاهای موجود در اسناد می‌پردازیم. البته قرآن به دلیل ویژگی خاص خود از تصحیف مبرا است و اگر تصحیفی وجود دارد در سایر کتب متواتر روایی است.

أ. بررسی صدور اسناد

- کتب روایی ما در طول این قرون، بارها و بارها مورد نقادی علما قرار گرفته و به ویژه علمای شیعه به دلیل اعتقاد به انفتاح باب اجتهاد، دایم در بازکاوی این اسناد فعال بوده‌اند. خیلی از روایات به لحاظ متن تقریباً شناسایی شده‌اند و نسخه بدل‌های آنها معلوم گشته است.

أ. بررسی صدور اسناد

- فقها و اصولی‌ها و روایات و کسانی که به هر حال به نحوی از انحا با روایات سروکار داشتند، در مسأله‌ی نقل این احادیث، کتابت این احادیث و دقت در ضبط آنها، وسواس به خرج داده‌اند و سعی کرده‌اند اغلاط شناسایی شوند و اگر نسخه بدلی برای یک متن وجود دارد، معلوم گردد. آنها حتی سعی کرده‌اند نسخه بدل‌های راجح را نسبت به نسخه بدل‌های مرجوح پیدا کنند. از این رو، امروز برای یک محقق که در زمینه‌های مرتبط با این بحث فعالیت می‌کند، کار بسیار آسان شده است.

أ. بررسی صدور اسناد

- سنت قرائت یکی از مجموعه عواملی بود که در انتقال صحیح این روایات به آیندگان مؤثر بود.

أ. بررسی صدور اسناد

- می‌دانیم در گذشته استنساخ به صورت دستی انجام می‌گرفت و ممکن بود کاتبی که استنساخ می‌کند، احیاناً عمداً یا سهواً چیزی از خودش به عبارات بیفزاید، یا چیزی از آنها را کم کند. برای این که چنین اشتباهی صورت نپذیرد، یا شاگردان کتب روایی را بر اساتیدشان می‌خواندند و استاد آنها را تأیید می‌کرد و یا استاد کتاب روایی را می‌خواند و صحیح آنها را برای شاگردان بیان می‌نمود. این کار تا قرن‌ها ادامه داشت تا از بروز خطاهایی که احیاناً در احادیث رخ می‌دهد، جلوگیری شود.

أ. بررسی صدور اسناد

- البته علی رغم تمام دقت‌هایی که صورت گرفته، باز گاهی با بعضی خطاها مواجه هستیم. مثلاً در اسامی **روایات** بسیار اتفاق می‌افتاد که اشتباه صورت گیرد. به همین دلیل سفارش می‌شود که به طور مثال اگر راوی‌ای اسمش حسن یا حسین است، هم حسن جست-وجو شود و هم حسین. چرا که این دو در موقع کتابت به کثرت با هم اشتباه می‌شوند. خیلی جاها یک روای‌ای که اسمش حسن بوده، بعضی جاها حسن نوشته شده و بعضی جاها حسین و گمان می‌شود آنها دو نفرند در حالی که در واقع یک نفر هستند. مثال دیگر عمر و عُمَر است که از موارد شایع خطا در نام راوی است و موارد دیگری از این نوع نیز وجود دارد.

أ. بررسی صدور اسناد

- ممکن است وقتی ابتداءً چنین سفارشاتى صورت مى پذیرد، وجود این اشتباهات بعید به نظر رسد؛ اما با توجه به رسم الخطی که در گذشته وجود داشته، درمی یابیم خطاهای بعیدتر هم گاهی اتفاق افتاده است.

ب. بررسی محتوایی (دلالتی) اسناد

- ب. بررسی محتوایی (دلالتی) اسناد
- بحث دیگری که در اسناد نفسانی مطرح است، ارزیابی اسناد به لحاظ محتوا است.
- یک متن مکتوب باید به لحاظ این که چه معنایی از الفاظ آن اراده شده و نویسنده یا گوینده چه چیزی را می‌خواستند بیان کنند، ارزیابی گردد.

ب. بررسی محتوایی (دلالتی) اسناد

- در علم تاریخ هنگام ارزیابی محتوایی اسناد، هم معانی مفردات کلام به صورت جداگانه شناسایی می‌شوند و هم معانی آن مفردات در متن؛ زیرا گاهی از اوقات ممکن است الفاظ در متن معنایی داشته باشند که به صورت مفرد و به تنهایی فاقد چنین معنایی باشند؛ مثل معانی کنایی که در ترکیبات برای یک لفظ پیدا می‌شود.

ب. بررسی محتوایی (دلالی) اسناد

- در مطالعات جدید هرمنوتیک نقش مهمی در بررسی محتوایی اسناد نفسانی پیدا کرده است و در واقع خاستگاه برخی از مهمترین دیدگاه های هرمنوتیکی مانند دیلتای همین علم تاریخ است که در انتهای این قسمت به آن اشاره خواهیم کرد.

ب. بررسی محتوایی (دلالتی) اسناد

- ارزیابی محتوایی متن که در اصطلاح فقهی یا اصولی، ارزیابی دلالتی نامیده می‌شود، کاری است که فقها و اصولی‌ها نسبت به اسناد منقول انجام می‌دهند.
- وقتی فقیه یا اصولی از بحث سندی فارغ شود و متن را به لحاظ اغلاط نیز تصحیح کند و به یک متن بدون غلط که به لحاظ سندی معتبر باشد، دست یابد، به بحث دلالتی می‌پردازد.

ب. بررسی محتوایی (دلالتی) اسناد

- همان طور که گفتیم در قرآن به دلیل قطعی صدور بودن بحث سندی وجود ندارد و همین طور کتب اربعه‌ی روایی تا نویسنده‌ی کتاب محتاج به بحث سندی نیستند، اما از نویسنده‌ی کتاب تا معصوم علیه السلام باید از حیث سند مورد ارزیابی قرار گیرند. یک فقیه یا اصولی بعد از این که به سند بی غلط معتبر دست یابد، به معنای مفردات و معانی ترکیبات موجود در آن سند می‌پردازد و بحث دلالتی شروع شود.

ج. بررسی اسناد در کنار اسناد دیگر

- ج. بررسی اسناد در کنار اسناد دیگر

ج. بررسی اسناد در کنار اسناد دیگر

- بحث دیگری که در ارزیابی اسناد در تاریخ مطرح می‌شود، بحث کنار هم قرار دادن اسناد مختلف تاریخی است. ما ابتداءً یک سند را به صورت یک تک سند به لحاظ سندیت و صدور و به لحاظ صحت متن و احیاناً وجود نسخه بدل‌ها و به لحاظ دلالتی - چه مفردات به تنهایی و چه مفردات در متن - ارزیابی می‌کنیم و نهایتاً یک متن مورد پذیرش به لحاظ سند و تصحیح شده و با تعیین نسخه بدل‌ها و با معنای روشن به دست می‌آوریم؛ ولی این یک تک سند است.

ج. بررسی اسناد در کنار اسناد دیگر

- در تاریخ یکی از کارهایی که باید مورخ انجام دهد، ضمیمه‌ی این تک سند به اسناد دیگر است.
- مورخ یک واقعه‌ی تاریخی را در پرتو اسناد مختلفی که از آن واقعه باقی مانده، ارزیابی می‌کند و آن واقعه را بازسازی می‌نماید.

ج. بررسی اسناد در کنار اسناد دیگر

- فقها و اصولی‌ها نیز این کار را تحت عنوان جمع بین روایات یا ادله انجام می‌دهند. یعنی بعد از این که یک روایت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و اعتبار سندی آن محرز و مفاد آن مشخص می‌شود، آن روایت را با آیات و روایات دیگر که نسبت به آنان نیز همین ارزیابی‌ها صورت گرفته، مقایسه می‌کنند.

ج. بررسی اسناد در کنار اسناد دیگر

- آنان حتی این روایت را با فتوایی که از فقها نقل شده یا با ارتکازات و سیره‌هایی که در روش عرفی به دست آورده‌اند، مقایسه می‌کنند و در نهایت به استنتاج و نتیجه‌گیری اقدام می‌نمایند.

ارتباط روش شناسی و معرفت شناسی

- یک نکته

ارتباط روش شناسی و معرفت شناسی

- در انتهای مباحث روش‌های علم اصول فقه دوباره بر این نکته تأکید می‌ورزیم که هر یک از بحث‌های روش شناسانه یک بحث معرفت شناسانه نیز همراه خود دارد. یعنی بین روش شناسی و معرفت شناسی یک تعامل دایم وجود دارد.

ارتباط روش شناسی و معرفت شناسی

- به طور مثال در همین بحث تاریخ و ارزیابی اسناد تاریخی بحث معرفت شناسانه‌ای هست که قبلاً تحت عنوان هرمنوتیک از آن یاد کردیم. در میان کسانی که هرمنوتیک کلاسیک را مطرح کردند، دو نفر را نام بردیم که یکی - شلایرماخر - بینان‌گذار هرمنوتیک محسوب می‌شود و دیگری کسی است که شلایرماخر را از این بُعد - یعنی بُعد هرمنوتیکی - به جهان علم معرفی کرد. وی شخصی است به نام دیلتای.

ارتباط روش شناسی و معرفت شناسی

- هدف دیلتای از طرح بحث هرمنوتیک، یافتن یک مبنای معتبر برای علوم انسانی - یا به تعبیر خودش علوم معنوی - بود. مهم-ترین علمی که برای وی از میان علوم انسانی مطرح بود، علم تاریخ بود. پیدایش علم تاریخ نوین به همین دوران دیلتای و کمی قبل از او برمی گردد.

ارتباط روش شناسی و معرفت شناسی

- مبنایی که ديلتای در آنجا مطرح کرد یک مبنای معرفت شناسانه است که معیار روش شناسی قرار می گیرد. قبلاً مبنای ديلتای را توضیح دادیم و گفتیم: ديلتای بر اساس اندیشه های هگلی قایل به یک نوع روح عمومی بود.

ارتباط روش شناسی و معرفت شناسی

- با توجه به این نگاه، انسان در نظر دیلتای موجود یگانه‌ای است و تفاوت بین افراد انسان صرفاً برخاسته از موقعیتی است که در تاریخ دارند.
- بنابراین اگر فرضاً حافظ در موقعیت هیتلر قرار می‌گرفت، همانند او می‌شد، همان طور که اگر هیتلر در موقعیت حافظ یا فردوسی قرار می‌گرفت، حافظ یا فردوسی می‌شد.
- یعنی انسان‌ها با هم کاملاً مشترکند، تفاوت‌ها فقط و فقط برخاسته از موقعیت تاریخی است که آنها در آن قرار گرفته‌اند.

ارتباط روش شناسی و معرفت شناسی

- بر اساس این مبنا، ديلتای معتقد است اگر ما بتوانیم اسناد تاریخی یک حادثه را بازسای کنیم و در همان فضای حادثه‌ی تاریخی قرار گیریم، می‌توانیم به یک قضاوت صحیح در مورد آن حادثه دست پیدا کنیم.
- بنابراین اگر می‌خواهیم دقیقاً بفهمیم مثلاً حافظ در اشعارش قصد بیان چه مطلبی را داشته، باید فضای تاریخی زمان حافظ را بازسازی کنیم، با او هم زمان شویم و در همان موقعیت تاریخی قرار بگیریم. آن موقع است که می‌توانیم متوجه قصد حافظ شویم.

ارتباط روش شناسی و معرفت شناسی

- ديلتای بر اساس این مبنا که «انسان یک موجود مشترک است و همه‌ی انسان‌ها در اصل هویت انسانی با هم مشترکند و فقط و فقط تفاوت‌های آنها، تفاوت تاریخی است»، روشی برای مطالعه‌ی ارایه می‌کند.
- به همین دلیل وقتی گادامر می‌خواهد به سخن ديلتای ارجاع دهد، از سخن او به عنوان متد (روش) یاد می‌کند و نام کتاب خویش را «حقیقت و روش» می‌گذارد که کلمه‌ی روش در آن ناظر به همین روش ديلتایی است. این روش بر یک معرفت شناسی استوار است؛ یعنی یک مبنای معرفت شناسانه، آثار روش شناسانه دارد.

ارتباط روش شناسی و معرفت شناسی

- ناگفته نماند که بعضی از فقها در بحث روایت مطلبی شبیه آنچه در دیلتای شاهد بودیم، مطرح نمودند. همان طور که قبلاً نیز گفتیم مرحوم آقای بروجردی معتقد بود ما برای فهم یک روایت نمی توانیم صرفاً از دور دست به آن روایت نگاه کنیم و بعد نسبت به آن قضاوتی داشته باشیم.
- بلکه باید خودمان را به روایت نزدیک کنیم و در همان فضایی قرار بگیریم که روایت در آن صادر شده است. آن موقع است که می توانیم بفهمیم روایت چه معنایی داشته است.

ارتباط روش شناسی و معرفت شناسی

- تعبیری که آقای بروجردی در این زمینه به کار برده، چنین است: وقتی می‌خواهید مقصود از روایتی را بفهمید، نمی‌توانید آن را بر سر قله‌ی کوه قرار دهید و بعد از ته دره به آن نگاه کنید. باید از کوه بالا بروید، خودتان را به روایت برسانید و بعد نسبت به آن قضاوت کنید.

ارتباط روش شناسی و معرفت شناسی

- بحثی که آقای بروجردی مطرح نمود، یک سری آثار روش شناسانه دارد و یک سری مبانی معرفت شناسانه.
- از آثار روش شناسانه این است که وی بر خلاف سایر فقها و اصولی‌ها در فهم معنای یک روایت به مراجعه‌ی چند کتاب لغت اکتفا نمی‌کند و صرفاً به معنای مفردات روایت و احیاناً معانی ترکیبات آن نمی‌پردازد، بلکه داریم در صدد این است که بدانند روایت در چه فضای فکری، فرهنگی و تاریخی و سیاسی صادر شده است تا بدانند در آن فضا، روایت مذکور قصد افاده‌ی چه معنایی را دارد.
- ۱۰۶) ر.ک: نوشتار حاضر، مبحث هرمنوتیک و روش.